**٢٧ - وجود امکانی و وجود اعيانی و امتناع تحوّل عدم بوجود و وجود بعدم**

و نيز در کتاب مفاوضات است . قوله العزيز: "يک مسئله از غوامض مسائل الهيّه است که اين عالم وجود يعنی اين کون غير متناهی بدايتی ندارد و از پيش بيان اين مطلب شد که نفس اسماء وصفات الوهيّت مقتضی وجود کائنات است ... زيرا جميع اسماء و صفات الهيّه مستدعی وجود کائنات است. اگر وقتی تصوّر شود که کائناتی ابداً وجود نداشته است اين تصوّر انکار الوهيّت الهيّه است. و از اين گذشته عدم صرف قابل وجود نيست اگر کائنات عدم محض بود وجود تحقّق نمی‏يافت لهذا چون ذات احديّت يعنی وجود الهی ازلی است، سرمدی است يعنی لا اوّل له و لا آخر له است البتّه عالم وجود يعنی اين کون نامتناهی را نيز بدايت نبوده و نيست بلی ممکن است جزئی از اجزاء ممکنات يعنی کره از کرات تازه احداث شود يا اينکه متلاشی گردد امّا سائر کره‏های نامتناهی موجود است عالم وجود بهم نمی‏خورد منقرض نميشود بلکه وجود باقی و برقرار است."

و در تفسير حديث کنت کنزاً قوله العزيز: "اين حقائق و قابليات معدوم صرف نبوده بلکه در رتبه امکانی موجود بودند ولکن نه بوجود اعيانی و فرق در ميان وجود اعيانی و وجود امکانی بسيار است."